

طرح نوروزی

آرامش بجاریک



امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

اگر حال خود را عوض کردید، اگر توانستید گوهر انسانی خود را درخشان‌تر کنید، حقیقتاً برای شما «نوروز» است! اگر توانستید پیام انقلاب، پیام پیامبران، پیام امام بزرگوار و پیام خون‌های مطهر بهترین جوانان این ملت را به دل خودتان منتقل کنید، برای شما «نوروز» است.

نوروز ۱۳۷۷



امام خمینی (رحمة الله علیه)

عید واقعی آن وقتی است که انسان رضای خدا را به دست بیاورد، درون خود را اصلاح کند... و شما وقتی عید دارید که اخلاق عیدی داشته باشید، اخلاق تازه. و من امیدوارم که به این امر، ملت ما سرتاسر، همه جا عمل کنند و رضای خدای تبارک و تعالی را در این امر به دست بیاورند.

اسفند ۱۳۶۵

آدرس تهران: خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس قم: بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی، مجتمع فرهنگی آموزشی

تهیه و تنظیم و ناشر: مجتمع فرهنگی پژوهشی، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

وبسایت سازمان: www.oghaf.ir | وبسایت معاونت: www.mfso.ir | وبسایت مجتمع: www.mfpo.ir

نوبت چاپ: زمستان ۹۶ | شمارگان: ۱۷۰۰ دوره | قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان | غیر قابل فروش (اهدائی)



هر شب کارش همینه

ساعت ده صبح: می‌دانستم که همسایه بغلی گرفتار است؛ اما چرا صبر کردم تا از من درخواست کمک کند. «کار خیر من به قیمت سست شدن عزت او تمام شد.»
 ساعت چهار عصر: دختر خاله‌ام زنگ زد و گفت که از پایان‌نامه ارشدش دفاع کرده با یک نمره عالی. من توی دلم گفتم حالا کارشناسی ارشد گرفتن هم شد کار!
 «یک لحظه حسود شده بودم.»
 ساعت نه شب: یک ماهی بود که با خود کلنجار می‌رفتم که درباره باجنابم به کسی چیزی نگویم. اما امروز سفره دلم را باز کردم. به خواهرم گفتم که توی مسافرت چه سرسامی گرفته بودم از خُرופ‌های مانی. «یک لحظه طعم غیبت برایم شیرین شد.»

. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: هرکس به حساب نفس خود رسیدگی کند، به عیب‌هایش آگاه می‌شود. «عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۵»
 . ساعت‌های آخر سال با خود خلوت کنیم و اعمال یک سال عمرمان را محاسبه نماییم. هر کس نقاط قوت و ضعفش را می‌شناسد.



خودتو نجات بده!

از مهدی عجل الله تعالی فرجه پسر فاطمه علیها السلام زیاد برایمان می گفت. از اینکه او بیاید موجب فرج و گشایش می شود. دلم می خواست وقت دقیق آمدنش را بدانم. طاقت نیاوردم و از امام صادق علیه السلام سؤال کردم:

«پس کی فرج می رسد؟ این که خیلی طولانی شد.»

امام فرمود: هر کس برای فرج وقت تعیین کند دروغگو است و هر کس عجله کند، هلاک می شود. فقط کسانی که مطیع و تسلیم اوامر ما باشند نجات پیدا می کنند و به ما ملحق می شوند.

«الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸»

. امام صادق علیه السلام فرمودند: به زودی شبهه ذهن و قلب مردم را پر می کند. در آن زمان نه نشانه ای آشکار و نه امامی برای هدایت مردم دیده می شود. برای رهایی از چنین وضعی دعای غریق را بخوانید تا نجات یابید.

. يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ

. ای خدا! ای بخشنده! ای مهربان! ای دگرگون ساز دل ها! دل مرا بر دینت استوار بدار.

«برداشت از روایت بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹»



آدمها با هم فرقا دارن

بعضی‌ها مانند چک بی‌محل هستند و مایه دردسر دیگران.
بعضی‌ها نه چکی دارند و نه دفترچه قسطی. آنها دنبال دردسر نمی‌گردند و سرشان در لاک خودشان است.
بعضی‌های دیگر به خودشان قول داده‌اند تا می‌توانند از مالشان هزینه کنند تا عده‌ای شب را گرسنه ن خوابند و بی‌لباس نمانند.
بعضی‌های دیگر عهد بسته‌اند از جسم خودشان هزینه کنند تا آبروی عده‌ای را بخرند و سرپناه برای عده‌ای دیگر باشند.
بعضی‌ها هم با خدا عهد بسته‌اند همیشه خود را بدهکار بدانند. آنها هر وقت پایش برسد جانشان را فدای ناموس و عقیده و خاک و پیشرفت و امنیت کشورشان می‌کنند.

. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بالاتر از هر کار خیری، خیر و نیکی بالاتری است تا آنکه فردی در راه خدا کشته شود، و بالاتر از کشته شدن در راه خدا خیر و نیکی نیست.

«وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حدیث ۲۱.»





تارهای نامرئی زندگی من!

آن روزها رفاقت‌ها از کوچه شروع می‌شد. مکان قرارها بستنی‌فروشی سر خیابان بود. رفیق‌ها قابل شمردن بودند و خوب و بدشان معلوم. آن وقت‌ها پدر و مادرها با کمی توجه، از حال و روز بچه‌ها خبر داشتند و... .

این روزها رفاقت‌ها از آن سر دنیا شروع می‌شود. قرارها هر جای دنیا که بخواهیم گذاشته می‌شود. نه تعداد رفیق‌ها معلوم است و نه خوب و بدشان قابل تشخیص. انگار گوشی همراه شده است همه چیزمان و کسی جرأت ندارد در آن سرک بکشد.

. اگر شبکه‌های اجتماعی را مهمان خانه خود کرده‌ایم، مراقب بیماری تنهایی جمعی، دوری والدین و فرزندان از هم، مشکلات اخلاقی و اعتقادی، اختلالات روانی و عاطفی، نابودی روابط سنتی در خانواده ایرانی، ازدواج اینترنتی، طلاق، ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها و... باشیم.

نخ تسبیح رویشناسیم

نخ تسبیح است که دانه‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد و اگر این نخ نباشد دانه‌ها پراکنده و جدا می‌شوند. ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی هم همین است. مثل نخ تسبیح می‌ماند که اگر نباشد جامعه بهم خواهد ریخت و وجودش یعنی باقی ماندن جامعه اسلامی. اگر نخ تسبیح نباشد تسبیحی نیست و فقط دانه‌هایی هستند در هم ریخته.

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا را و ولی امرتان را.



خدا برا باعث و بانیش نسازه!

برای جهیزیه دخترم سنگ تمام گذاشتیم، از مبلمان لهستانی و ظروف ایتالیایی و جارو و اجاق آلمانی گرفته تا پرده و لباسای ترک و تلویزیون و یخچال کره‌ای و سرویس آشپزخونه و حموم چینی. ولی انگار قرار نیست یه آب راحت از گلومون پایین بره. هنوز فکر عروس خانوم از سرمون بیرون نرفته، دیروز پسرم از کار بیکار شد. نمیدونم چه دردی دارن که کارخونه رو تعطیل کردن؟ خدا برای باعث و بانیش نسازه.

. این شده حکایت بعضی از مادران ایرانی! در حالی که وسایل منزل و جهیزیه دخترشان را از نوع خارجی می‌خرند، با چشمان اشک‌آلود از خدا می‌خواهند که کاری برای پسرشان جور شود!!!
. هر قدر کالای ایرانی بخریم، به همان اندازه اشتغال ایجاد می‌کنیم.





آخه اینم شد زندگی؟



روزهای خاکستری: از وقتی یادم هست توی خونه پدری، من بودم و در و دیوار. خواهر و برادر که نداشتم. با عروسک‌هام درد دل می‌کردم.
روزهای رنگی: داداش سعید مشغول مطالعه اس، ریحانه و رضوانه مثل همیشه در حال خاله‌بازی هستن. پدربزرگ هم که با امیرعلی گل یا پوچ بازی می‌کنه.
دل هر پدر و مادری غنچ میره برای همچنین خونه شلوغ پلوغی.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: خانه‌ای که کودک در آن نباشد، برکت در آن نیست. «کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۴»

بیدارباشیم

بوته خار، گلی دارد که در زیر نور آفتاب بسیار زیبا و فریبنده است. اگر فریب ظاهرش را بخوری و خم شوی تا بچینی‌اش، قبل از آنکه بویش کنی، زخمی‌ات کرده. تازه آن موقع می‌فهمی که بوی خوشی هم نداشته است.

گل محمدی، گل نرگس، گل رز، گل یاس و ... هم زیبا هستند و هم خوش‌بو. آنقدرها هم خار ندارند و می‌شود چیدشان و بارها بویشان کرد و باغچه خانه را با آنها آراست.

گل محمدی و بوته خار، حکایت دوست و دشمن است. دشمن می‌خواهد خم شویم، دستش را بگیریم و از وعده دروغینش مست شویم. تا وقتی خم نشدیم و راست قامت ایستاده‌ایم، گزندگی به ما نمی‌رسد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: از دشمنت بعد از آنکه از در صلح و آشتی درآمد سخت بترس، چه بسا او به وسیله صلح نزدیک می‌شود تا از شیوه غافل‌گیری استفاده کند، پس احتیاط و دقت را پیشه کن و در چنین مواردی زود باور و خوش گمان مباش. «نهج البلاغه، نامه ۵۳»



همه دعوتیم



قواعد کسب و کار را خوب بلد بود. اول سیب‌ها را یکی‌یکی با دستمال برق انداخت. بعد چندتایی را که لکه داشتند از بقیه جدا کرد تا مشتریاش پیدا شود. بعدش سیب‌های فاسد شده را از مغازه خارج کرد تا میوه‌هایش سالم بمانند. «آدمی» میوه هستی است. گاهی نیاز به تذکر دارد تا قلبش برق بیفتد. گاهی باید به او عتاب کرد تا اشتباهش را جبران کند و مشتری پسند شود. گاهی باید به او خشم گرفت و محدودش کرد تا موجب فساد جامعه نشود.

خداوند متعال می‌فرماید: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند.» «آل عمران، آیه ۱۰۴»
امر به معروف و نهی از منکر یعنی خودکنترلی اجتماعی. اگر کارمندان اداره مراقب همدیگر باشند، کارگران در کارخانه مواظب حقوق مصرف‌کننده باشند، اعضای خانواده چشم و گوش هم باشند، جامعه سالم می‌شود.

با من بیا

پیرمرد فانوسش را برداشت و گفت: پشت سر من حرکت کنید، من راه را بلدم. فقط آنهایی که عقبتر هستند حواسشان به نور فانوس باشد تا گم نشوند. فانوسش شد چراغ راه جماعت. با آن همه پستی و بلندی، نه پایشان لغزید و نه راه را اشتباه رفتند. سالها بود که پیرمرد با نور فانوسش راهنمای خلق خدا بود.

خداوند قبور امامزادگان را در شهرهای مختلف قرار داده تا:

- چراغی باشند برای آنکه راه را گم نکنیم.
 - نشانه‌ای باشند برای آنکه اهل بیت علیهم السلام را پیدا کنیم.
 - برکتی باشند برای اهل زمین و زمان و زندگی‌مان.
 - پناهگاهی باشند برای عبادت و دعا و راز و نیازمان.
 - مرکزی باشند برای فعالیت‌های فرهنگی و سلامت تربیتی فرزندانمان.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:** کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت و دیدار او خواهیم رفت و از هراس‌ها و وحشت‌های آن نجاتش خواهیم داد.

«ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۱»





فرشته‌ها منتظرین



پرده اول: فرعون پر از آجر را گرفت و با یک «یا علی» هول داد نزدیک کارگرها. یکی ماله می‌کشید و آن یکی آجر پرتاب می‌کرد و دیگری آنقدر وارد بود که بین زمین و آسمان آجر را می‌قایید و دیوارکشی می‌کرد. عرق روی صورتشان می‌غلطید و می‌چکید روی زمین. با این بر و بازو و سرعتی که داشتند، همین روزها کار ساخت خانه تمام بود.

پرده دوم: چند روزی بود که کارگرها دیگر کار نمی‌کردند و منتظر مصالح نشسته بودند.

فرشتگان در بهشت، با خشت‌های طلا و نقره مشغول ساختن خانه برای ما آدم‌ها هستند. هر وقت کاری نیک انجام دهیم، مشغول ساختن می‌شوند و هرگاه کار نیکی نداشته باشیم، دست از کار می‌کشند. «برداشتی از روایت بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۷۷»

با وقف، مصالح برای فرشتگان همیشه فراهم است.

لازم نیست که ثروتمند باشیم تا وقف کنیم. هرکس به اندازه توان خود می‌تواند در وقف مشارکت داشته باشد.